



 شَرَح روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران	
 صاحب امتیاز و مدیر مسؤول: مهدی رحمانیان نشانی: میدان آرزاتین، خیابان زاگرس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف تلفن: ۸۸۶۵۴۳۹۱-۴ ۸۸۸۸۰۷۱۹-۸۸۶۵۵۸۵۷ نمابر: ۸۸۶۵۴۳۹۱-۴ ۸۸۸۸۰۷۱۹-۸۸۶۵۵۸۵۷ توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز تلفن: ۵-۶۶۱۸۱۲۱۰ چاپ: نشر روزتاب تلفن: ۲۴۵۴۵۰۷۶ www.sharhnewsaper.ir	
تهران : اذان ظهر ۱۱:۵۲ اذان مغرب ۱۷:۵۶ اذان صبح فردا ۴:۴۳ طلوع آفتاب ۶:۰۶	

 روزنامه	
یکشنبه ۱۷ مهر ۱۳۹۰ ۱۱ ذی‌القعده ۱۴۲۲ ۱۹ اکتبر ۲۰۱۱ سال نهم شماره پیاپی ۱۳۶۳ شماره ۴۲۹ دوره جدید ۲۰ صفحه	

بررسی بداهه‌نوازی و ردیف‌نوازی در آثار حسین علیزاده

دومین نشست بررسی آثار حسین علیزاده با حضور این آهنگساز و نوازنده برجسته تار و سه‌تار، هومان اسعدی و سیدابوالحسن مختاباد شنبه ۲۳ مهر ساعت ۱۶:۲۰ در مرکز فرهنگی شهر کتاب واقع در خیابان شهیدبهشتی، خیابان شهید احمد قصیر (بخارست)، نبش کوچه سوم برگزار می‌شود. در این نشست، آثار استاد علیزاده در حوزه‌های کنوازی، بداهه‌نوازی و ردیف‌نوازی مورد بررسی و پرسش و پاسخ قرار می‌گیرد. نشست اول بررسی آثار استاد علیزاده، شهر یور ماه در همین مکان برگزار و با اقبال خوب علاقه‌مندان روبه‌رو شد.

دیده‌بان

هوار از این اشتباهات متداول

مینو مشیری*



■ **امان** از این توهم دانستن زبان خارجی و هوار از این اشتباهات متداول در ضبط صحیح نام نویسندگان نامدار. مثال می‌آورم: ارباج به روزنامه شرق، سیزده مهر ۱۳۹۰، صفحه ادبیات و مقاله‌ای از آقای شه‌ریار خالقی با عنوان تمثیل‌های کافکایی جیم‌ام. کوتزنه. ۱. نویسند‌های به نام کوتزنه یا کوتزری نداریم. شک نکنید. زمانی که رمان «زندگی و زمانه مایکل ک» ورا ترجمه می‌کردم، در تلفظ و ضبط صحیح نامش تردید داشتم. از وابسته فرهنگی سفارت مربوطه سوال کردم. گفت: «کوت‌سیا صحیح است.» اکثفا نکردم. از سفیر آفریقای جنوبی نیز پرسیدم. اطمینان داد. کوت‌سیا صحیح است. ۲. رمان معرف «آدلف» به قلم بنژامن کنستانت، نویسنده سوئیسی است، نه بنجامین و نه کنستانتس و نه کنستانتسین. شک نکنید. ۳. «ژاک قضا و قدری و اربایش» را دثی دیدرو، نویسنده قرن هجدهم فرانسه نوشته است. نه دنیس دیدرو. رحم کنید. شک نکنید. ۴. نویسنده مجارستانی رمان «خاکستر گرم» شاندور مارایی است، نه مارای یا بدتر رامایی! شک نکنید. ۵. موریس مترلینگ صحیح نیست. موریس ماترلینک صحیح است. شک دارید؟ از یک بلژیکی بپرسید. تردید ندارم نام تنها نوبلیست ادبیات کشورش را می‌شناسد و بلد است تلفظ کند. ۶. آدیت وارتن نداریم. «آدیت» به انگلیسی به معنای «ویراستاری» است. نام نویسنده «عصر بی‌نگاهی» خاتم آیدیت وارتن است. جالب اینکه خبرنگاران ادبی روزنامه‌ها و مجله‌ها به بهانه معرفی همواره خواستار نسخه یا نسخه‌هایی از کتاب می‌شوند تا ثابت کنند حتی از روی جلد کتاب هم توانایی کبی کردن صحیح نام نویسنده را ندارند، حال چه رسد به معرفی و نقد اثر...

و اما «جاسوسی که از سردسیر آمد»! این مضحک‌ترین ترجمه ممکن از اثر جان لوکاره است. عنوان کتاب همین‌طور کسرامی و واژه به واژه به فارسی ترجمه شده و هیچ‌کس هم دم نزده. عنوان کتاب» اصطلاحی در زبان انگلیسی است به معنای فراخوان پس از عزل و کنار گذاشته‌شدن. پس عنوان اثر می‌تواند «فراخوان یک جاسوس» باشد و اگر کتاب را خوانده باشید، یادتان هست که جاسوس مورد نظر پس از سالیان سال عزل از مقام و کنار گذاشته شدن به دلایلی بس شیطانی فراخوانده می‌شود تا عهددار مسئولیتی غیر ممکن شود. ندانستن عیب نیست. نپرسیدن چرا، زیرا بدآموزی است. همین.
*مختصص ادبیات قرن ۱۸ فرانسه و مترجم آثار جیم‌ام. کوت‌سیا

پرش از اخبار

شعر خوانی شاعران خارجی در پاساژ فروزنده

■ **شرق**: دفتر شعر جوان با هماهنگی ستاد برگزاری همایش شاعران ایران و جهان، ویژه‌برنامه‌ای را در عصر روز دوشنبه (۱۸ مهرماه) از ساعت ۱۵ تا ۱۸ در مجموعه فرهنگی پاساژ فروزنده (مقابل درب اصلی دانشگاه تهران) برگزار می‌کند. در این برنامه شاعرانی از کشورهای دلمارک، روسیه، بوسنی و هرزگوین، کره جنوبی، عراق، فیلیپین، نخجوان و کرواتسی شعرخوانی دارند. همچنین رسول یونان به عنوان شاعر میهمان در این برنامه حضور خواهد داشت.

نقاشی‌های گمشده «پیکاسو» در صربستان



■ **ایسپنا**: دو اثر نقاشی از کارهای پابلو پیکاسو، نقاش سرشناس اسپانیایی که میلیون‌ها دلار ارزش دارند، در صربستان پیدا شدند. گفته می‌شود این دو نقاشی رنگ و روغن در حال حاضر وضعیت خوبی دارند و در مکانی امن نگهداری می‌شوند. شبکه تلویزیونی صربی (SF) اعلام کرد کشور سوئیس از صربستان درخواست استرداد این آثار هنری را دارد. مدیر این شبکه تلویزیونی تاکنون هیچ‌گونه اطلاعاتی درباره محل نگهداری این نقاشی‌ها و مظنونان به این سرقت منتشر نکرده است. «سراسب» (۱۹۶۲) و «پیانو و تنگ» (۱۹۴۴) نام این دو اثر است که در سال ۲۰۰۸ از یک نمایشگاه نقاشی واقع در شهری در نزدیکی زوریخ به سرقت رفتند. به گزارش سی‌بی‌اس، این دو اثر از سوی موزه اسپرنگل هانوفر آلمان به این نمایشگاه قرض داده شده بودند.

برداشت‌آخر

«این قیافه مشکوک» مستند شد

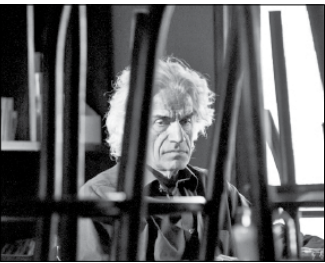
پوریا سوری

در فرم تصاویر و نورپردازی و همچنین خلق ایده‌ها و فضاهایی متناسب با احوالات شخصیت مجوری فیلم، به بار سینمایی اثر در کنار جنبه‌های ادبی و شناختنامه‌ای آن بیفزاییم. به عبارت دیگر سعی کرده‌ایم تا وضعیت دیگری از شعر و شخصیت «شاعر وضعیت دیگر» را در همین تصویر کافی همین نما به مخاطب عرضه کنیم.»

البته به سباق تمام مستندهای ساخته شده در ایران چهره‌های فرهنگی مختلفی در این مستند حاضر هستند و درباره باباجاهی صحبت می‌کنند. هوشنگ چالنگی، مسعود بهنود، محمد محمدعلی، محمد قائد، مدیا کاشیگر، احمد پوری، فتح‌الله بی‌نیاز، فرخنده حاجی‌زاده، بهزاد خواجات، رضا عامری، اردشیر رستمی، علی عبداللهی، علیرضا مجابی و بابک صحرانورد درباره زوایای گوناگون شعری و شخصیتی این شاعر صحبت می‌کنند و از این رهگذر تلاش می‌کنند ببینند با چهره‌ای کامل‌تر و تازه‌تر از باباجاهی آشناشود.

علیزاده رزازی درباره حضور چهره‌های ادبی و هنری در فیلم می‌گوید: «از ابتدا فهرست بلند بالایی از افراد مرتبط با حال و هوای شاعر را مدنظر داشتیم که با مشورت با آقای باباجاهی به همین نام‌هایی رسیدیم که هم اکنون در فیلم حاضرند. غیزاز آقایان محمد محمدعلی و مسعود بهنود که هر دو زحمت ضبط تصاویرشان را با دوربین‌های معمولی متقبل شدند و از خارج از کشور برایمان ارسال کردند، با باقی میهمانان در تهران و کرج گفت‌وگو کرده‌ایم.»

به گفته کارگردان اثر، قرار است این فیلم به زودی در یکی از مراکز فرهنگی، هنری شهر تهران به نمایش عمومی درآید که البته این اکران منوط به همراهی نهادهای مرتبط و نیز دریافت مجوز اکران از وزارت ارشاد اسلامی است.



دربارۀ ابراهیم گلستان و چندین و چند مستند دیگر که هر کدام از این مستندها قایمی است که بر دیوار ذهن و اندیشه ما آویخته شده و زندگی را دیدنی‌تر کرده است.

حالا در جدیدترین تحولات ساخت مستندهای فرهنگی خبر رسیده که پیرامون شعر و حیات شعری شاعر معاصر علی باباجاهی، مستندی آماده نمایش شده است که «این قیافه مشکوک» نام دارد.

این مستند که به طراحی و کارگردانی وحید علیزاده رزازی تولید و آماده نمایش شده به جنبه‌های گوناگون حیات شعری باباجاهی در ۵۰ سال حضور فعال و جنجالی‌اش در عرصه شعر جدی ایران پرداخته است.

وحید علیزاده رزازی، کارگردان این پروژه درباره ساختارش می‌گوید: «در این فیلم ۹۰ دقیقه‌ای کوشیده‌ایم که از قالب‌های رایج و مرسوم فیلم‌هایی از این دست تا حد امکان پرهیز کنیم و با ایجاد تنوع

محمد صادقی



راز همه چیز/ چنان نزدیک می‌شود به چشمان جانم/ که در ظلمات حل می‌شوم و/ پیچیده در ظلمات، تاریک‌وار به خاک می‌افتم...

فرانادوپسو

پیشینیان ما زندگی را در غار به تصویر می‌کشیدند و در جهان مدرن، ما با عکاسی، جهان را از دریچه دوربین به تماشا می‌نشینیم، چون در عکس، زمان متوقف می‌شود و توقف زمان، به عبارتی آرزوی جاودانگی (ماندن در زمان) را برآورده می‌کند. می‌توان گفت، عکسی، برداشتی مدام از درهای جاودانگی است. سوزان سانتاگ، نویسنده مشهور آمریکایی در کتاب «دربارۀ عکاسی» که نگین شیدوش آن را به فارسی برگردانده، با اشاره به تصاویر تلخ و اندوهناکی از جنگ و خشونت که گریستن پایدار را در درون او پدید آورده، از رنجی که زیستن با عکس‌های درد و رنج به بار می‌آورد و به طور قطعی، موجب برانگیختن حس همدردی و شفقت نشده و گاه به از میان رفتن آنها نیز می‌انجامد، سخن گفته و به نکته‌ای مهم می‌پردازد: «تکرار بی‌امان تصاویر، حس واقعی بودن آنها را کم‌رنگ می‌کند.» به تعبیر سانتاگ، عکاسی متعهد، به همان میزان که وجدان‌ها را بیدار کرده، آنها را در خواب عمیق نیز فرو برده است. سخن مهم سانتاگ این است که محدودیت شناخت جهان از راه عکس‌ها هرچند شعور ما را تحریک می‌کند، اما سرانجام به شناخت اخلاقی نمی‌انجامد و در سطح احساساتی‌گری باقی می‌ماند. گفته او درست به نظر می‌رسد زیرا تکرار چیزی موجب بی‌تفاوتی نسبت به آن می‌شود، به این معنا که از فرط تکرار و زیاد دیدن، یک سوژه دلخراش

دکه

«آسمان» آمد



آغاز این هفته همراه بود با یک خبر خوش برای اهالی مطبوعات و روزنامه‌نگاران. شماره اول مجله هفتگی خبری، تحلیلی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آسمان منتشر شد. ترکیبی از روزنامه‌نگاران حاضر در تحریریه شهروند امروز(دوره اول)، ایراندخت و پیکسبز تحریریه آسمان را

کودکان؛ فرصت یا تهدید

سعید مدنی



■ **قاتل «داداشی»** فردی که مدتی پیش در کرج به قتل رسید ۱۷ ساله بود. به سخن دیگر قاتل ۱۷ سال پیش به دنیا آمده و در مدارس پس از انقلاب درس خوانده و آموزش دیده بود. او یکی از میلیون‌ها جمعیت زیر ۳۰ سال فعلی کشور بود که پس از انقلاب متولد شد، در مدارس پس از انقلاب تحصیل کرد و تحت تعلیم درسی‌بازبینی شده قرار گرفت. معلمانی این نسل را آموزش داده‌اند که بارها از فیلتر گرینش عبور کرده‌اند، آنها در معرض آموزش‌های غیررسمی صدا و سیما، جمهوری اسلامی بوده‌اند و در جامعه‌ای، بزرگ و اجتماعی شده‌اند که به شدت موظف بوده قواعد شرعی و دینی و بیشتر از آن را رعایت کند. اگر ۱۰ سال اول پس از پیروزی انقلاب را دوران تثبیت جمهوری اسلامی قلمداد کنیم، آن وقت با اطمینان می‌توانیم تأکید کنیم که جمعیت زیر ۱۸ سال یا چهرهای امروز انسان‌های تراز نوبنی هستند که نظام فرصت کافی داشت تا پرورش دهد. اکنون فرصت آن است با شناخت دقیق کودکان امروز ببینیم محصول برنامه‌ها و سیاست‌های دو دهه چه بوده و چه بر سر این نسل آمده است؟ برخی شاخص‌ها نشان می‌دهد که وضعیت کودکان امروز در برخی موارد بهتر از کودکان دیروز است. مثلا نسبت کودکان باسواد امروز بیشتر از کودکان باسواد دیروز است. اما آیا با همین قطعیتی می‌توان ادعا کرد کودکان امروز از سلامت جسمی، روانی و اجتماعی بیشتری در مقایسه با کودکان دیروز برخوردارند؟ به دشواری می‌توان در این‌باره پاسخ مثبت داد. اجازه دهید در این زمینه به چند شاخص اشاره کنیم:

- نسبت جمعیت کودکان زیر خط فقر کشور در سال ۱۳۸۶ در حد فاصل ۱۷درصد (استان مازندران) تا ۵۵درصد (استان قم) قرار دارد. به طور کلی در استان‌های سیستان و بلوچستان، قم و خراسان‌جنوبی بیشترین نسبت جمعیت کودکان زیر خط فقر گزارش شده است.(۱)

- از ابتدای دهه ۱۳۸۰ نسبت کودکان فقیر جامعه شهری از جامعه روستایی پیشی گرفته است. این موضوع تا حدود زیادی با شتاب گرفتن مهاجرت از روستا به شهرها مرتبط است.

- نسبت کودکان شهر تهران که قادر نیستند روزانه دو هزار کیلو کالری دریافت کنند یعنی گرسنه هستند در مناطق ۲۲گانه شهر تهران در حدفاصل ۱/۷درصد در منطقه سه تا ۱۰/۹درصد در منطقه ۱۹ توزیع شده است.

- ۶۵/۶درصد کودکان منطقه ۱۹ تهران دایما گرسنه هستند یعنی روزانه امکان دریافت دو هزار کیلو کالری غذا را ندارند. کمترین نسبت کودکان گرسنه در منطقه سه قرار دارند. ۱۵درصد کودکان در این منطقه همواره گرسنه‌اند.

- اگرچه آمار رسمی از جمعیت کودکانی که در معرض آزار قرار می‌گیرند وجود ندارد اما شواهد و قرائن نشان می‌دهد که میزان آزار کودکان روند رو به افزایشی داشته است. به علاوه گرسنه بودن کودکان خود یکی از مصادیق بارز کودک‌آزاری است و بنابراین آمار کودکان گرسنه را می‌توان به‌عنوان حداقل موارد کودک‌آزاری به ثبت رساند. مطالعات نشان می‌دهند والدین بیکار، فقیر و با درآمد پایین، مستاجر و معتاد بیشتر کودکان‌شان را آزار می‌دهند.

- گزارش‌های جدی نشان از روند مصرف موادمخدر، محرک و هم‌چنین الکل توسط دانش آموزان است.

- بنا بر آمار رسمی در سال ۱۳۸۵ حدود سده‌رصد کودکان ۱۰ تا ۱۴ ساله رسماً شغال بوده و به جای مدرسه روزها در محیط‌های کار فعالیت داشته‌اند. به این آمار باید انبوه کودکان خیابانی را که در سر هر چهارراه برای کسب معاش خود و خانواده‌شان تلاش می‌کنند، افزود. در همین سال بیش از ۷۵ هزار کودک سنین ۱۰ تا ۱۴ سال جویای کار بوده‌اند.

- بنا بر برخی برآوردها در سال۱۳۸۵ حدود ۱۲درصد کودکان سن مدرسه در خارج از مدارس بوده‌اند.

- در حال حاضر سه تا چهارصد افراد دستگیر شده به دلیل ارتکاب جرم را کودکان تشکیل می‌دهند. شاخص‌های نگران کننده درباره وضعیت کودکان منحصر به موارد بالا نیست بلکه شواهد بسیار دیگری از وجود مخاطرات جدی برای سلامت جسمی روانی و اجتماعی کودکان ایران حکایت می‌کند. نقش کودکان در سالم در توسعه کشور بارها مطرح و تأیید شده و در این‌باره کمتر شکی باقی است.

روند موجود شاخص‌های وضعیت کودکان نشان از عدم موفقیت سیاست‌ها و برنامه‌ها در پرورش نسلی سالم و فعال دارد. از این‌رو تجدیدنظر اساسی در این سیاست‌ها و برنامه‌ها و ایجاد تغییرات خصوصا در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی برای پرورش بزرگسالان سالم در آینده، بسیار اهمیت دارد.

پی‌نوشت

۱- همه اطلاعات درباره فقر به نقل از پژوهش‌هایی است که تحت مدیریت جنب اقای دکتر راغفر انجام و نتایج آن گزارش شده است.

نات:

گفتند کسان کیفیت نان خوب است
یارانه نان و قیمت آن خوب است
با نان خمیر و این همه سوختگی
شلتاق زدن زیر بارن خوب است

مرغ و ماهی:

گویند کسان که مرغ و ماهی خوب است
من می‌گویم خیال واهی خوب است
یک روز خوری و بیست‌ونه روز دگر
در حسرت آن، چشم‌به‌راهی خوب است

کاروانسرا

اندر حکایت گرانی خوراکی‌ها

لقمان‌الدوله رضایی‌سقزی

میوه:

گویند که سیب و موز و انگور خوش است
من می‌گویم زرشک و بلغور خوش است
در غرقه پشتک زدن قیمت‌ها
آواز لعل شنیدن از دور خوش است

از مستند ساز

سیمای اقتصاد ما



سال‌های دهه ۶۰ افتخار همکاری با یک برنامه هفتگی در شبکه یک سیما را داشتم به نام «سیمای اقتصاد ما» که ترکیبی بود پربیننده از جد و طعز و نقد و تحلیل. اما چرا پربیننده؟ چون بدون شک مردمی‌ترین برنامه‌های سیما بود که هرکس نقش و حرف و تحلیلی فکر که می‌کنم می‌بینم در آن برنامه چه هشدارهایی که داده نمی‌شد تا به وضع اقتصادی امروز نیفتیم! آن روزها هنوز اگر به یک کاسب می‌گفتی گرانفروش، قرمز می‌شد و رگ گردنش بیرون می‌زد و چه‌بسا کار به دعوا و مرافعه و بدتر از آن‌هم می‌کشید.

اما خوشبختانه امروزه این گیر روانی جامعه رفع شده و ابدا مشکلی در این زمینه‌ها نیست، فروشنده محترم خیلی راحت و مودبانه ما را به مقامات محترم حواله می‌دهد. مضاف بر اینکه با دل‌سوزی هر چه تمام‌ترهم سعی می‌کند آدرس و نشانی آنها را بدهد تا عوضی نرویم و به زحمت نقیمت و این البته کم چیزی نیست، گامی است به جلو. جامعه فهمیده که حرف، حرف قانون است و خدای ناکرده اگر هم اعتراضی باشد که البته نباید باشد و موردی هم ندارد که باشد، باید از راه قانون وارد شد و به مقامات ذی‌ربط مراجعه کرد.

مثلا امروز دیگر به حبیب آقا لبنیات فروش سر کوچه ما چه مربوط است که فلان پنیر و اکیوم ۴۵۰ گرمی تا چند روز پیش بوده آن مبلغ و امروز پس از چند

